

* * *

مرد آن باشد که راسخ در ره است

ره، ره عشق است، جز این ره چه (چاه) است

مرد باشد، گر چه در ظاهر زن است

مردِ مرد و مردِ زن دان یک تن است

صورتِ مردی نباشد قصدِ من

سیرتِ مردی مِلاکِ (اصل) مرد و زن

مردِ ره، اندیشه اش جز یار نیست

با کلوخ و خار، او را کار نیست

* * *

جامِ دل از باده‌ی معشوق پُر

از طلا و لعل و دُر، صندوق پُر